

# The Role of Quranic Literature in the Improvement of Couples' Relationships

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
*Analytical Review*

### Authors

Narjes Nasrollahi<sup>1</sup>,  
Maryam Haji Abdul Baqi<sup>2\*</sup>,  
Hamid Reza Mostafid<sup>3</sup>,  
Saeed Beheshti<sup>4</sup>

### How to cite this article

Narjes Nasrollahi, Maryam Haji Abdul Baqi, Hamid Reza Mostafid, Saeed Beheshti, The Role of Quranic Literature in the Improvement of Couples' Relationships. *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2019;3(3):107-114.

1. PhD student, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
4. Professor, Department of Philosophy of Education, Allameh Tabatabai University, Tehran Iran

### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: maryamhajiabdbaghi@yahoo.com

### Article History

Received: 2019/07/24  
Accepted: 2019/09/16  
ePublished: 2019/09/22

## ABSTRACT

**Purpose:** The aim of this study was the role of Quranic literature in improving spouses' relationships.

**Materials and Methods:** This research was conducted by the method of library studies, which was obtained and analyzed by referring to Quranic, narrative and scientific texts.

**Findings:** In order to maintain the safety of the family, the Holy Quran has set mutual duties and rights for the couple to protect the family from the psychological damage caused by the wrong relations between the spouses. The necessity of chastity and mutual loyalty, protection of their privacy, companionship with the famous, qunoot and obedience to the spouse, mutual observance of each other's rights and non-abandonment are among the most important orders of the Holy Quran to spouses.

**Conclusion:** Based on the results of the research, the literature of the Quran, by using the best words to employ the best words and combinations, established a healthy and humane relationship between spouses and proposes the solution of marriage to get rid of the lust of sexual instinct, so that men and women in Relax together and cover each others' faults.

**Keywords:** Literature Of Quran, Relationship, Couples

## نقش ادبیات قرآن در اصلاح روابط همسران

نرجس نصراللهی

دانشجوی دکتری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مریم حاجی عبدالباقی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

حمید رضا مستفید

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سعید بهشتی

استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر نقش ادبیات قرآن در اصلاح روابط همسران بود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای انجام شد که با مراجعه به متون قرآنی و روایی و علمی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: قرآن کریم جهت حفظ ایمنی خانواده، برای زن و شوهر، وظایف و حقوق متقابل قرار داده است تا خانواده را از آسیب‌های روانی ناشی روابط نادرست همسران، حفظ نماید. ضرورت پاکدامنی و وفاداری متقابل، حفظ حریم خصوصی آنان، معاشرت به معروف، قنوت و فرمانبرداری از همسر، رعایت متقابل حقوق یکدیگر و ترک نشوز از مهمترین سفارش‌های قرآن کریم به همسران است.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش، ادبیات قرآن با به کارگیری بهترین کلمات استخدام بهترین واژه‌ها و ترکیبات‌ها روابطی سالم و انسانی بین همسران برقرار نمود و برای رهایی از شهوت‌گریزه جنسی راه حل ازدواج را پیشنهاد می‌کند، تا زن و مرد در کنار یکدیگر به آرامش برسند و عیوب یکدیگر را ببوشانند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات قرآن، اصلاح، روابط، همسران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

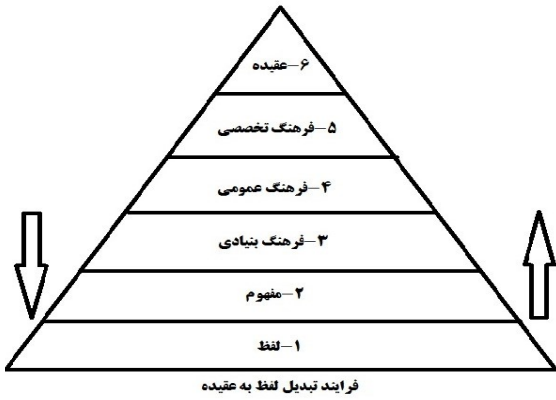
\*نویسنده مسئول: maryamhajiabdbaghi@yahoo.com

## مقدمه

در فرهنگ جاهلیت، فرهنگ خاصی بر زنان حاکم بود و زنان کاملاً مقهور اراده و تمایلات مردان بودند. به هنگام دختری، تحت قیمیت پدر و پس از آن تحت ولایت و نظر شوهر و پس از مرگ شوهر؛ تحت استیلاء و فرمان پسران شوهر و اگر پسری نداشت تحت نظر و ولایت بستگان شوهر بودند. خواستگاران مستقیماً به روسای قبیله یا پدر و برادر و اعمام زن و دختر مراجعه کرده، آنها نیز قبول یا رد می‌نمودند. مردان برای برآورده کردن نیازهای مادی و غرائز بشری از زنان استفاده ابزاری می‌نمود. پدیده‌های زشتی چون زناکاری، همجنس‌بازی، اختلاط ناسالم روابط مرد و زن، تحقیر زنان و توهین و ستم به آنان، زنده به گور کردن دختران و... نمونه‌هایی از این انحرافات در روابط انسانی است. اینتفکر بر سراسر جهان حاکم بود. جاهلیت از مفاهیم مصطلح در اسلام و نامی است که به حالت فکری مردم عرب پیش از ظهور اسلام داده شده است. نامگذاری عصر جاهلیت به دلیل این است که هیچ قانون اجتماع با سامع، که دم به آنان، رسانده حد نداشت. (۱) جاهلیت، فتنه است که با ناه چهل باشد، پس تا انسان وجود دارد رفتار جاهلی هم وجود دارد. تذکر قرآن به جاهلیت اولی بیانگر این است که جاهلیت دیگری نیز وجود دارد بلکه در هر دوره و زمان، حتی در اوج پیشرفت و تمدن باشد، م‌ت‌اند چند افکار، در جامعه باشد، ظلم کند. سامبر (ص) م‌مانند: «بعثت به جاهلیت، لأخهما شد م‌أهلاً هما» (۲)، «گست‌ده مکاتب جدید الحاد، مثل دهنه‌گ‌ار (ن‌دسمه)، هم چند گ‌ار و قانه‌ن‌شدن: از ده‌ا هم چند گ‌ار، در ا‌ه‌با آم‌ب‌ک‌ا اخ‌ا، از ده‌ا با حمانات در کنا، م‌ه‌گ‌ت‌ده در عدالت، فق‌ه‌ت‌عض حله‌ها و م‌ت‌گ‌ها از جاهلیت ده‌ا، م‌د‌ن‌به‌شما، م‌د‌ن‌به‌حالت م‌ت‌ان: گفت‌جاهلیت به م‌اتب گ‌سترده‌تر از دوران پیش از بعثت در اذهان تداعی می‌کند. تاثیر ادبیات رهبران، بزرگان و دستگاه‌های تبلیغی در فرهنگ‌سازی مردم جامعه انکار ناپذیر است. شعرا جاهلی، نقش عظیمی در فرهنگ‌سازی خانواده جاهلی بر عهده داشتند. اعراب جاهلی از ادبیات مکتوب بی‌بهره بودند. با این حال صاحب‌زبانی بودند که به داشتن گنجینه‌ای بسیار از واژه‌های ممتاز بود و از بابت به خود می‌بالیدند. در نتیجه شعرا و فضحایی که می‌توانستند از توانایی‌های شگفت‌آور این زبان استفاده موثر و هنری کنند و شعر بسرایند در میان اعراب از احترام خاصی برخوردار بودند. در دوره جاهلی بهترین قصیده‌های سال در جشنواره بازار عکاظ انتخاب می‌شد. این بازار از اول تا بیستم ذی‌القعدة در سر راه زائران در مکه دائری شد بهترین اشعار را «معلقه» می‌نامیدند، با آب‌طلا می‌نوشتند و به دیوار کعبه می‌آویختند تا رهگذران آنها را ببینند. نکته‌ای که در بدو امر جلب توجه می‌کند این است که اشعار جاهلی چه خصوصیات و مزایای داشته است، که به سرعت در میان اعراب، منتشر گشته و در فرهنگ عرب جاهلی رسوخ کرده است. در عرب، هستی‌شناسی مبتنی بر ماده بود و به جای خدا ماده مورد پرستش قرار می‌گرفت، ابزار شناخت حس، تجربه و قلب بود. تاثیر ادبیات رهبران، بزرگان و دستگاه‌های تبلیغی در فرهنگ‌سازی نظام همسران انکار ناپذیر است. در دوره جاهلیت زن از حقوق انسانی بی‌بهره بود. دین اسلام، به مبارزه با فرهنگ جاهلی پرداخت و مکتب اسلام را بنا نهاد. براساس این مکتب، جهان هستی اعم از ماده و روح است و جهان ماده مکانی است که خانواده مدتی در آن اسکان می‌یابد و خود را برای زندگی در جهان آخرت آماده می‌سازد و خانواده‌ای متعالی بنا بر ارزشهای اسلامی می‌سازد. حس، عقل، فطرت و وحی به عنوان ابزارهای شناخت هستی محسوب می‌شوند. واژه‌های بکار رفته در قرآن یک زمینه پیش از قرآن یا پیش از اسلام داشته است. ادبیات قرآن واژگان را از واژه‌های سخیف و بی‌ارزش ارتقاء داد، برای زن ارزش قائل شده در پرده

به همان شدت قانون تاثیر داشت و تخطی از آن ها غیر ممکن بود. آداب و رسوم و سنن قبیله پایه فرهنگ اجتماعی بود. گذشته زمان باعث قداست آن ها می شد. رئیس قبیله برای برقراری آرامش در قبیله از نفوذ خود استفاده می کرد. ابو عقیل لیبید از شعرای معلقات سبع می گوید:

«من معشر سنت لهم آبائهم و لكل قوم سنه و امامها» (۳)



نقش ادبیات قرآن در اصلاح نظام خانواده

#### ۱- ازدواج ازدید قرآن

ادبیات قرآن برای صیانت و حفظ زندگی عائی به بیان مفهوم پایه و نظام اصطلاحات در ازدواج پرداخت: وظایف و حقوق چند جانبه ای برای مرد و زن در باپهای نفقه- قوامت- حضانت- وظایف- حقوق و... مقرر نمود. «جل لهم و الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتِ... إِذَا أَتَيْمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» (۴) در آیه بر واژه های «الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ» و «إِيمَانِكُمْ» در زمان انتخاب همسر، در بین ملاکهای ازدواج، زیبایی زن، ثروت، ازدواج با خانواده اسم و رسم دار و... پایه فرهنگ سازی می نماید پاکدامن بودن و مومن بودن مهم است. حتی در ازدواج با زنان اهل کتاب، که در فقه شیعه به صورت ازدواج موقت جایز است، اولین نکته صفت پاکدامن است. دیگری: پرداخت مهریه زنان است. «فَمَا لِحَدِّثَةِ فَلِمَا دَعَاكِ مِنْهُنَّ أَنْ تَنْكِحَهُنَّ... غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ...» (۵) با توجه به مسافحات، به این دلالت است. هم در جاهلیت، عقده داشتند که تنها زنی آشکار ناپسند است؛ اما انتخاب دوست پنهانی مانعی ندارد! واژه «متخذات اخدان»؛ به معنای دوست گیری پنهانی است مسئله دوست گیری حتی در بین زنان آزاد و زنان برده اعراب متداول بوده است و این عمل مذمت نداشت. همچنین در آیه مبارکه «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ...» (۶) خطاب آیه به مسلمانان، حاکم شده است. خطاب آیه به پدر، مادر، نیاگهان، خانواده مسلمانان، خانواده است. آیه به طور ضمنی مدیریت و رهبری ازدواج را بیان می نماید. واژه ایامی: علامه ی فرمایند: «پسر و دختر عصب است.» (۷) «الصَّالِحِينَ» به طه، ضمنی فرماید: «شده باشد از نظر اخلاق، سلامت، عاقل، عاقل، اقتصادی و... صلاحیت ازدواج داشته باشند. در ادامه آیه می فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» خداوند از غنای خود این افراد را غنی می کند. «در بحث ازدواج مساله اقتصادی بسیار مهم است. نیاز به نوعی ثروت و غنا می باشد که زن و شوهر خصوصاً مرد به آن نیازمند بوده تا تشکیل خانواده داده شود. آیه می فرماید: «که اگر شما اقدام به ازدواج نمایید؛ فقرتان جبران شده و با توکل به خدا مشکل مرتفع می گردد. در سوره نساء می فرماید: «ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ» (۴) واژه «عنت»؛ علامه می فرماید: «به معنای جهت و شدت هلاکت می آید و مراد از آن زناست که نتیجه مشقت تجرد و شهوت نکاح است.» در دوره جاهلیت در ازدواج اما، به معنای پیوند با کنیزان است. کنیزانی را

ای از حیا و شرم مودبانه و با استعاره سخن می گوید. به عنوان مثال، واژه هایی که در عرب قبل از اسلام جهت آمیزش مرد و زن به کار می رفت؛ واژه «المقات»؛ به معنای آمیزش است که در عرب جاهلی به کار می گرفت. امر و التیس شاعر جاهلی می گوید: «کبکر المقناه البیتض بصفیره غذاها نمیرالما غیر المحلل» (۳) واژه «تلقی»؛ به معنای آمیزش و آبستن شدن است که در جاهلیت به کار می گرفت. در بیت زهیر بن ابی سلمی می خوانیم: «فتعركکم عرك الریح ببقاله و تلقح كشافاتم تنتج فستهم» (۳) اما با نزول قرآن واژه «لقاح» به جای واژه «المقات» به کار رفته و این واژه حذف شده است. قرآن در حوزه التذاذ لمسی در خصوص نزدیکی مرد و زن واژه «غشی» در بر گرفتن به کار می برد نوع ارتباط مرد و زن را می رساند ولی به کلمه تخصصی زناشویی در فرهنگ عرب که اصطلاح مقاربت است ورود پیدا نمی کند و به صورت کنایی، ادب و متانت گفتاری را رعایت می کند. جمله «فَلَمَّا تَغَشَّاهَا» (۴) صاحب اطیب البیان نیز می گوید «لَمَّا تَغَشَّاهَا کنایه از مواقع و جماع و هم بستر شدن است.» (۵) غریزه جنسی به عنوان یکی از غرایز طبیعی است که ارضای به موقع، کامل و مناسب آن نقش مهمی در رشد و کمال انسان دارد. از نگاه اسلام نیاز جنسی صرفاً نیاز فیزیولوژی نیست؛ بلکه شامل نیاز زیستی، نیاز عاطفی، اخلاقی، اقتصادی و عبادی و... است. اسلام، برای پابندی به رفتار جنسی مناسب مقام شریف انسانی قوانینی را معین کرده تا زمینه ساز رشد کمال فرد و جامعه شه.

۱۰۸ هـ ش. نه هـ ش.

انتقال، فرهنگ در فاگه، زبانها مؤثره و محدود گه نه هـ ش. زبان تا حد زیادی، به محدود فرهنگها هسته است. زمانی که ادبیات متعالی باشد باعث ارتقاء فرهنگی می گردد. جهت شناسایی روش ادبیات قرآن در فرهنگ سازی روابط همسران لازم است با واژه، مفاهیم پایه، نظام اصطلاحات قرآن آشنا شویم. واژه کوچکترین شکل معنا دار از حروف است که بتواند به تنه به کار، کلمه با حرف شاما اسم، صفت، عدد، کنایه، فعل، قید، حرف اضافه، حرف ربط، صوت و... است. باید از نظر معنایی توان برخوردار قابل و موثری داشته باشد، تا شنه نه بعد از شنیدن آن واژه به درک لازم دست یابد. از واژه مفهوم بدست می آید. از مجموع مفاهیم در یک موضوع، مفاهیم پایه به دست می آید. مفاهیم پایه، مفاهیمی هستند که ارتباط و نظم منطقی با یکدیگر دارند. وجود مفاهیم پایه و ارتباط منطقی آنان با یکدیگر، نظام اصطلاحات را پدید می آورد. اصطلاح نام مجموعه ای از واژگان کنترل شده و منظم است. زیر مجموعه ای از زبان اصلی است مشتمل بر اصطلاحات خاص اگر به مجموعه واژه هائی که با مفهوم شناسی ارتباط آن را با معنای مورد نظر باز شناسی شده جایگاه آن کلید واژه در ادبیات مورد نظرتعیین گردد. اسلام بعنوان یک مکتب جهانی نیز مفاهیم پایه خاص و نظام اصطلاحات خود در نظام خانواده دارد از طریق وحی از طرف خداوند علیم و حکیم نازل شده است. با مطالعه در کتب جامعه شناسی، متوجه شدیم فرهنگ دارای لایه های گوناگونی است (۶)؛ مهمترین آن عبارتند از:

۱- فرهنگ بنیادی: این فرهنگ در جامعه، زیر بناهای فرهنگ را می سازد و فرهنگهای دیگر بر اساس آن شکل می گیرد.

۲- فرهنگ عمومی: به معنای فرهنگی است که آحاد جامعه و تک تک افراد جامعه آن را پذیرفته اند.

۳- فرهنگ تخصصی: عبارت است فرهنگ گروه تخصصی از اقشار جامعه که فرهنگ خاصی را فرهنگ سازی می نمایند. معمولاً فرهنگ تخصصی افرادی آن را شکل می دهند که دارای سطح تحصیلات و سواد بالاتری می باشند برای توده مردم خط مشی تعیین می نمایند. در اینجا برای فهم بهتر لایه های فرهنگی مثالهایی ذکر می شود؛ اعراب جاهلی از قانون مدنی محروم بودند. اما از سنن و آداب و رسوم تبعیت می کردند که



۴- حرمه خصصه نیزه شه

حرمه خصصه نیزه شه، مسئله بسیار حساس است و تعبد حد و مازها. آن هم البته از حساست و نه از بد خوار، م باشد به طره کل قآن که به و اناات متعدد. کلت ان بحث اامرد تاسد قار داده اند و تعبد مصادقه نیزه بهاه. آن نماند دقت هاه. بالاد است که اهنت مسئله ااده حندا. م کند. در سه ماه که نه با احازه گ فت: هنگام ورود بچه ها به حريم شخصي پدر و مادر تاكيد شده است. «أَمِنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظُّلُمَةِ وَمَا بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَرَاةٍ...» (۴) در فضاء زناشوي ده نه حرمه خصصه محدود دارد اول حريم است که نیزه شه نسبت به ديگان دانده افراد ديگ حقه اده دهنه احازه به ان حرمه ندانده ده م: حرمه؛ هم حريم است که ه بک ان نیزه شه نسبت به همديگر دارند و براي ورود به آن حريم بايد از هم اجازه بگيرند. ممنوعيت ورود غير در محدوده زماني و مكاني يكي از عوامل موثر در تحكيم خانواده است از طريق برآوردن نياز عاطفي و جنسي همسران در حريم خصوصي آنان است. توفيق در اين امور نياز مند برخي مهارتهاست. در توصيه هاي اسلامي آمده مردان و زنان مراقب اعمال و رفتار خود باشند؛ و ديگران را به محدوده خصوصي همسران خانواده كانون عطف و محبت است راه ندهند. اين محدوديت در حريم همسران؛ باعث تحكيم روابط عاطفي آنان مي گردد. در ادبيات قرآن زن و شوهر ستر عيوب يكدیگر مي باشد و هر دو تکميل کننده يكدیگر و مديکار هم در رسيدن به قرب الهي و انسان کامل شدن هستند. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (۴) لباس ستر عورت است، زن و شوهر حافظ شئون يكدیگر و اسباب زينت هم هستند چنانچه لباس حافظ بدن و باعث زينت انسان است. علامه مي فرمايند: «در اين آيه معنای لباس همان معنای معروف است؛ يعنی آن چيزی که انسان به وسيله آن خودش را از غير می پوشاند هريك از دو زوج يكدیگر را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه آن در بين افراد نوع مانع می شوند، هر کدام برای همسرش همچون لباس است که زشتی هایش را می پوشاند و اين است که خداوند فرموده هر کدام از دو زوج برای هم همچون لباس اند.»<sup>۱۱</sup>

۵- معاشرت معروف

حقوق و تکالیف در خانواده جنبه فردی ندارد بلکه در سایه خدمت متقابل طرفین، قابلیت ظهور پیدا می کند و با وجود یک تقابل صحیح و ترکیب موزون از روابط، موازنه در اجتماع خانواده پدید می آید که نه تنها در جهت حفظ منافع فردی و اجتماعی است بلکه هدفی مقدس چون تشکیل و استحکام نظام خانوادگی را هم تعقیب می کند. این توازن در سایه تعیین وظایف بوجود می آید و عمل به معروف، رمز تثبیت این موازنه است. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» زنان هم مطابق وظایفشان سزاوار حقوقی شایسته می باشند. «إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (۴) واژه «مَعْرُوفٌ» علامه می فرماید: هر عملی که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بدانند و معروف متضمن هدایت عقل و شرع است و هم فضیلت اخلاقی و هم سنت های ادبی و انسانی. چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده معروف از نظر اسلام چیزی است که مردم آن را معروف بدانند مردمی که از راه فطرت منحرف نشده اند. اسلام برای زن هم شون در نظر گرفته و هم تأثیری که در زندگی زناشویی و بقای نسل دارد مد نظر قرار می دهد. (۷) واژه «بِالْمَعْرُوفِ» و «سرحوهن» زیاد در قرآن به کار رفته است: (۴) معروف یعنی مطلوب، آرامش بخش به صورت خوب بودن در نگاه عرف نباشد و نیک به او نگاه کند و تحقیر نشود. واژه «له» حقوق و امتیازات و واژه «عليه» وظایف و مسئولیتهاست. حقوق و تکالیف زن و مرد نباید باهم مقایسه شوند بلکه هريك از زن و شوهر با حقوق و

تکالیف خود مقایسه کردند «لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (۴): چون تکلیف مرد در زندگی زناشویی سنگین تر است و مخارج را برعهده می گیرد و تقاضای ازدواج از سوی مرد است.

۶- قنوت و فرمان برداری

خداوند در سوره احزاب زنان و مردان با ایمان را توصیف می کند قنوت داشته باشند؛ می فرماید «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ...» (۴) واژه ها در آیه برای زنان و مردان یکسان بکار رفته است واژه «وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ» علامه می فرماید: «کلمه قنوت به معنای ملازمت در اطاعت و خضوع است، و در نتیجه معنای دو کلمه مورد بحث مردان و زنانی است که ملازم اطاعت خدا، ه هماه در باب اه خاضعون» (۷) اغلب م گه بد: قنوت از ماده «قنه» در لغت به معنای به دست آوردن حنیه و خه شه. خما آمده در اصطلاح قآن بعد طاعت و دستش هماه با خضوع و فه تنه است. (۱۰) واژه «قنه» با تعاب مختلف انا، در قآن که به ذک شده که در تمام موارد معنای خضوع، طاعت و فرمانبرداری منظور است. واژه «وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ» علامه می فرماید: «کلمه صدق به معنای هر فعل و قولی است که مطابق با واقع باشد، و مرد و زن با ایمان هم در ادعای دین داری صادقند، و هم در گفتار راست می گویند، و هم خلف وعده نمی کنند.» واژه «وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ» علامه می فرماید: «اینان کسانی هستند که هم در هنگام مصیبت و بلا، صبر می کنند، و هم در هنگام اطاعت، و هم آنجا که گناهی پیش آمده، در ترک آن صابرند.» واژه «وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ» علامه می فرماید: «کلمه خشوع به معنای خواری و تذلل باطنی و قلبی است، هم چنان که کلمه (خضوع) به معنای تذلل ظاهری، و با اعضای بدن است.» واژه «وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ» علامه می فرماید: «کلمه صدقه به معنای خرج کردن مال است در راه خدا، که یکی از مصادیق آن زکات واجب است.» واژه «وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ» علامه می فرماید: «مراد از صوم روزه های واجب و مستحب هر دو است.» واژه «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ» علامه می فرماید: «یعنی کسانی که فروج خود را حفظ می کنند، و آن را در غیر آنچه خدا حلال کرده به کار نمی بندند.»

۷- حقوق و وظایف متقابل همسران

ه بک ان نه ح: در مقابا بکدیگ حقه ه وظایف دارند. در تفک غب مده نیزه در تکالف کاملا با هم مساهه. در باب بده ان حقه مساهه. بد خوار، نه با بکدیگ در قانت هستند اما از دیدگاه قآن مده نیزه از لحاظ جسم متفاه تند اما در انسانیت یکسانند. ان تفاه تما دلنا بد ه بک بدیگه نسبت؛ بلکه ان تفاه تما صفا حنه صنف ه ته اناماه. ه بک ان مده نه نانا. است که با تمحه به اهداف که داه. آن خلقة شده اند در ه حه دشان: نماده شده است. ادبیات قرآن مردان و زنان را از رقابت منفی باز داشته است. خداوند به دلیل توانایی هایی که به هر یک از مردان و زنان داده، برای هر یک از آنها از لحاظ جسمی، روحی، وظایف، مسئولیتها و... متفاوت قائل است «لِلرِّجَالِ نِصَبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نِصَبٌ مِمَّا كَسَبْنَ...» (۴) مبحث اشتغال، زنان، بک ان مسائلا. حنحال ب انگن بده است. واژه هاه. «فعا»، «عما» «ه کسب» در قآن به معنای کار، ه تلاش هستند، اما در هه حاه. قآن به معنای به اقتصاد. به کار نفته ه تفاه در سه ماه نساء، به معنای تلاش ماده. ه کسب در آمد استعمال شده است که م تفاه داه اثبات مشه عبت فعالیت اقتصاد. نانا. به آن استناد کد: زباگ کار کد: داه. آنا. محاز: نمده. آبه شرف آنا. ا مالک دست نه خد قار نم داد. نانا. فراوان در صد اسلام در زمان: سامد گام (ص) ه ائمه اطفا، (ع) به فعالیت هاه. اقتصاد. اشتغال داشتند؛ به عنان: مثالا، حضرت خدیجه (س) همسر پیامبر (ص) به شغل تجارت مشغول بود. در نظام اسلام مدیریت

خانواده بر دوش مردان نهاده شده است. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (۴) مردان مسئول امور زندگی زنان؛ و مدیر در زندگی خانوادگی هستند. از دیدگاه قرآن مردان به دلیل برتری های که خداوند به مردان داده به سبب طاقی که بر اعمال دشوار دارند، یا از نظر جسمی روحی قدرت بیشتری دارند؛ آنان را مسئول امور زنان قرار داده است. وجود این تفاوتها لطف الهی است که مرد و زن بتوانند یکدیگر را کامل گردانند و بتوانند زندگی مشترک را اداره نمایند و در به کمال رسانیدن یکدیگر تلاش نمایند. در ادامه آیه سوره نساء جمله «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ» (۴): علامه می فرماید: «قرآن مردان را به سبب برتری خدادادی بر زنان مسلط و یا سرپرست آنان می داند. زیادی که خداوند به مردان داده به سبب طاقی که بر اعمال دشوار دارند، می باشد. مثلاً در حکومت و قضا مردان: قوه ت هستند.» (۷)

۸- نشانه و مصادیق آن: نشانه یک اصطلاح در فقه و حقه اسلام است. معناه آن اصطلاح نشانه تمکین، نكاح، ناف مانده عدم افشاء، مسئولیت هاء، ناشد از طرف هر یک از دو شخص است. هنگامیکه زن در وظایف خود تمکین که تاها نماد کند او، ناشده و هنگامیکه مرد در وظایف خود و پرداخت نفقه کوتاهی نماید؛ او را ناشز می گویند.

۸-۱- ترس از نشوز زن: «... اللَّائِي تَخَافُونَ نِشُوزَهُنَّ فِعْظُوهُنَّ وَ اِهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً...» (۴) قرآن سه مرحله برای رفع نشوز زن و تنبه او در نظر می گیرد: مرحله اول «فِعْظُوهُنَّ» و اعظ می تواند شوهر، خانواده و همسر و اطرافیان زن باشد. یا قاضی باشد. مرحله دوم «اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» شوهر برای تنبه زن با او همخوابگی نکند. مرحله سوم «اضْرِبُوهُنَّ» زدن زن که از طریق قاضی انجام می گردد و حکم صادر می نماید. آیه به مردان هشدار می دهد که از موقعیت سرپرستی خود در خانواده سوء استفاده نکنند و به قدرت خدا که بالاتر از همه قدرت است بسندشند (۸). معظه که در دهه ۱۰ از هجرت با همسر، از اول تا دهه ۱۰ هجرت با همسر است، اما از آنجا که دهه ۱۰ از معظه و دهه ۱۰ از است به تنجه نسد، و اضنه هه احازه بخرد فذک به مد داده است. باید توجه داشت که آن آیه به معناه تعاب نه نیست (۱۲) بعد از آن همانند دهه که در صورت عدم پرداخت نفقه ممکن است تعاب شده، زن را به دلایل عدم تمکین تعاب که در حد مساوی صورت عدم تمکین زن به آگ زده او، امری در حد و شته حدی، قوا دهد، متعاقباً دعاء طلاق به واسطه عس و ح مطر شده (۱۲) علاوه این که مجازات کیفری نیز ممکن است شامل حال مرد گردد.

۲-۸- نشوز همسر در عدم پرداخت مهریه: «وَ إِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا...» (۴) واژه «عراضاً»: شوهر اعراض کند از زن قهر کند و یا او مکالمه و مراوده و معاشرت نکند. جمله «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ دَلَّتْ دَارِدَ كَه طَلَاقٍ دَهْد مَانَعِي نَدَارِد وَ بَاكِي نَيْسَت كَه بَا هَم تَصَالِح كَنَد وَ صِلِح بَه مَعْنِي كَشْت يَصْلِحَا»: کلمه لا جناح است از حق خود یعنی زن بگوید حق نفقه یا کسوه یا حق قسمت بین ازواج که دارد صرف نظر کند و شوهر هم راضی باشد باین (صلحاً) یعنی هر نحو صلح باشد نسبت بجمع حقوق. «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صِلِحًا وَ الصِّلِحُ خَيْرٌ» جهت ترک نشوز اولاً، زن از بخشی از مهریه خود بگذرد و از حق خود صرفه نظر کند. دوماً، مرد برای جلب رضایت زن و نشان دادن محبت خود به زن بخشی از مهریه او را به او بدهد یا هدیه ای برای زن بخرد تا زن به زندگی دلگرم شود. سوماً، هر دو از بخشی از حقوق یکدیگر صرف نظر نمایند و برای حفظ زندگی زناشویی تلاش نمایند و هدف قرآن برقراری صلح و ترک نشوز طرفین است.

ممنوعیت مقاربت همسران در شرایط خاص برقراری رابطه جنسی از دیدگاه اسلام تنها از طریق طه ا زده امکان است. اما اسلام تکالیف داده و نه شهه قائل است که در آن شرایط برقراری رابطه جنسی را حرام می داند.

۱- رابطه جنسی در حالات خاص حرام است  
کسی که با عده یا عده احرام بسته است از کارها باید احتیاط نماید که به آنها محرمات احرام گفته می شود. تکالیف که در باب احتیاط حرام، کامت مکه و عظمت کعبه، حقیقت احرام و فلسفه حج و عده و در حقت تعالی معناه، ضمه و الحاح و عده آنها، قوا گرفته است. اسلام در شرایط خاص رابطه جنسی زن و شوهر و تمتع آنها از دیگر حرام می داند. «فِيهِنَّ الْحَجُّ فَلَا رَفَثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (۴) کلمه «رفث» به معنای تصریح به هر سخن زشتی است که تنها در بستر زناشویی به زبان می آید، و درغیران مورد، گفتنش نفرت آور و قبیح است؛ رفت یکی از محرمات احرام است.

۲- ممنوعیت نزدیکی با زن حائض  
اسلام رابطه جنسی در حال حیض را حرام می داند. و آن را آزار و اذیتی برای زنان می شمارد. «وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْرِضُوا عَنِ الْمَحِيضِ وَ لَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ» (۴) علامه می فرماید «واژه «المحیض»: مانند مصدر «حیض» جریان خون معروفی که صفات مخصوصی دارد و زنان حائض آن صفات را می شناسند. واژه «آذی»: به معنای عارضه ای باشد برای چیزی که ملایم با طبع آن نباشد.» (۷)

۳- ممنوعیت رابطه جنسی در زمان روزه داری  
«أَجَلَ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» (۴) واژه «أَجَلَ» مجهول احلال به معنای اجازه دادن است. جمله «أَجَلَ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ»: آیه شریفه دلالت می کند بر اینکه قبل از نزول این آیه حکم روزه این بوده که در شب روزه زناشویی هم حرام بوده با نازل شدن این آیه حلیت آن تشریح و حرمتش نسخ شده است. (۷)

۴- ممنوعیت مقاربت در حال اعتکاف  
«لَا تَأْتُواهُنَّ... وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (۴) واژه «اعتکاف»: علامه می فرماید: «عکوف در مکان به معنای اقامت در آن است.» واژه «باشر»: از ریشه البشر، معنای بالاترین پوست. جمله «فَالَّذِينَ بَاشِرُوهُنَّ مَبَاشَرَتٍ» کنایه از جماع و این امر برای ترخیص است نه وجوب زیرا در مقام توهم حظر است و می توان از آن استنباط استفاده نمود سفارش به اعتزال و عدم قرب به همسر در مساجد و اعتکاف نیز واژه هایی مناسب برای خود داری از رابطه جنسی در زمانهای خاص است. حداد و اقسام آن:

طلات در لغت به معنی ها که در آیه ۱۰۰۰ هجرت، در اصطلاح به معنای گسسته، قد ا زده با لفظ خاص است، در حقه طلات عادت است. از احلال ا زده دائم با شرایط و تشریفات خاص از جانب مرد یا نماینده قانونی او. در جاهلیت چنین بود که مرد حق داشت همسرش را هزار بار طلاق بدهد و رجوع کند و حدی برای آن نبود بعضی از تازه مسلمانان مطابق دوران جاهلیت، از آن سوء استفاده می کردند، و برای اینکه همسر خود را تحت فشار قرار دهند بی دربی او را طلاق داده و قبل اتمام شدن عده رجوع می کردند، و به این وسیله زن را در تنگنای شدیدی قرار می دادند. آیه نازل شد و از این عمل زشت و ناجوانمردانه جلوگیری کرد و طلاقها را قانونمند ساخت. «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» (۴) واژه «تسریح»: علامه می فرماید: استعاره در رها شدن زن مطلقه استعمال شده، البته رها شدنی که شوهر نتواند رجوع کند (۱۴) واژه «إِمْسَاكٌ»: این واژه مقید به قید «معروف» و «تسریح» را مقید به «احسان» کرده، غنایت لطیفی است چه بسا نگهداشتن همسر به منظور اذیت و آزار او باشد که در اسلام نهی شده، همچنین رها کردن زن به منظور

معرفه و ننگه صفا و صمیمیت همراه باشد، جدایی نیز باید توأم با احسان گردد.

### نتیجه گیری

ادبیات قرآن با به کار گیری بهترین کلمات استخدام بهترین واژه ها و ترکیبات و روابطی سالم و انسانی بین همسران برقرار نمود. و برای رهایی از شهوت غریزه جنسی راه حل ازدواج را پیشنهاد می کند، تا زن و مرد در کنار یکدیگر به آرامش برسند و عیوب یکدیگر را بپوشانند. استعفاف را عاملی جهت حفظ ایمنی زن و مرد می داند. و با پدید زناکاری به شدت برخورد می نماید و به مبارزه با زنا کاری (۴) لواط (۴) و ناهنجاری جنسی می پردازد. قانون اسلام باورها و عادات ناپسند جاهلی در نوع نگاه به زن و زندگی خانواده، روابط همسران را ویران نمود، ارزشهای اخلاقی و فرهنگ اسلامی را جایگزین آن نمود. قرآن به نیاز جنسی پاسخ می گوید و ازدواج را بهترین راه حل برای این نیاز می داند. ادبیات قرآن محصنه بودن و مومنه بودن را ملاک ازدواج می داند. در زمان انتخاب همسر، در بین ملاکهای ازدواج؛ زیبایی زن، ثروت، ازدواج با خانواده اسم و رسم دار و... آیه فرهنگ سازی می نماید پاکدامن بودن و مومن بودن مهم است. و از دوست گیری پنهانی جلوگیری می نماید. مردان را به دلیل برتری هایی که خداوند از لحاظ جسمی به آنان داده، قوام دهنده زندگی خانوادگی می داند. و کسانی که امکان ازدواج با زنان آزاد ندارند با کنیزان ازدواج کنند. ادبیات قرن اجازه پیشنهاد خواستگاری از زنانی که در ایام عده هستند، را می دهد. حتی خانواده دختر می توانند اگر دامادی را مناسب ازدواج با دخترشان دیدند برای ازدواج پیش قدم شده به داماد پیشنهاد ازدواج با دخترشان بدهند. ضرورت پاکدامنی و عدم خیانت به همسر را عامل حفظ زندگی زناشویی می داند در اسلام بر وفاداری زوجین بر التزام و پایداری به پیمان زناشویی و رعایت وظایف عاطفی و جنسی تأکید شده است. هریک از زوجین در مقابل یکدیگر حقوق و وظایفی دارند. در صورت نشوز زن مرحله اول «فِعْظُوهُنَّ» و اعظم می تواند شوهر، خانواده و همسر و اطرافیان زن باشد. یا قاضی باشد. مرحله دوم «اهْبِرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» شوهر برای تنبه زن با او همخوابگی نکند. مرحله سوم «اضْرِبُوهُنَّ» زدن زن که از طریق قاضی انجام می گردد و حکم صادر می نماید. مرد به عنوان قوام دهنده زندگی خانوادگی مردان می خواهد که خود و خانواده شان را از عذاب الهی حفظ کنند. هدف اسلام برپایه نظام اسلامی و تعالی خانواده و همسران است.

اعمال غضب و داغ دل گرفتن باشد که این نیز نهی شده است. ملامحسن فیض کاشانی معروف را حسن معاشرت می داند، فَأَمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَى بِالْمَرَاجَعَةِ وَحَسَنِ الْمَعَاشِرَةِ (۱۵) همچنین نظر جناب آقای شبّر نیز همین است. (۱۴) فلسفه احکام اسلام بسیار عمیق است و تمامی احکام اسلام منطبق بر فطرت زن و شوهر است. حکم حق طلاق برای مردان، از طبیعت و فطرت زن و مرد نشأت می گیرد و بر اساس فطرت و درونیات و روحیات زن و مرد تعیین شده است. بر اساس کشتش طبیعی، مرد طالب زن است و زن مطلوب مرد، و زن حق انتخاب دارد که او را برگزیند. زن نیز بر اساس فطرت و طبیعت خود و ابراز علاقه و درخواست مرد، یا او را به عنوان زوج خود بر میگزیند و یا رد می کند. وقتی انتخاب و پیمان به این صورت و بر حسب فطرت و طبیعت هر دو انجام می گیرد، مسلم است تا زمانی که مرد طالب زن باشد و زن مطلوب او، این کشتش و جاذبه در مرد وجود دارد و زن نیز که بر اساس ابراز علاقه و درخواست مرد این پیمان را پذیرفته است، بر پیمان خود باقی خواهد ماند. اما زمانی که به هر دلیلی، این طلب و خواست در مرد خاموش شود و زن دیگر مطلوب مرد نباشد، اصل و اساس شکل گیری این رابطه و پیوند متزلزل شده است، در این جا اسلام در ابتدا دعوت به اصلاح و رفع مشکل می کند اما زمانی که یقین حاصل شود که این میل و طلب در مرد از بین رفته است و زن دیگر مطلوب مرد نیست، اسلام حکم طلاق را ارائه می کند و چون مرد بر اساس ساز و کار طبیعت و فطرت، نقشی محوری و اساسی را در شروع این زندگی و پایان آن دارد، لذا، حق گسستن این پیمان به مرد داده شده است. تا زمانی که طلب و خواست در مرد وجود دارد، زندگی دارای حیات است و زمانی که این طلب در مرد از بین برود، زن نیز خود به خود از زندگی سرد می شود، چرا که در ابتدا، علاقه زن و قصد زناشویی او، بر اساس خواست و طلب مرد و ابراز علاقه ی او، شکل گرفته است. اما زمانی که زن از زندگی سرد شود و مرد هنوز طالب زن باشد، همانند زمان شروع زندگی است، در این شرایط، امکان سامان گرفتن زندگی وجود دارد. اسلام به سبب نقش مرد در شکل گیری پیمان ازدواج، حق طلاق را به مرد می دهد. مرد پس از آن که زن درخواست او را برای پیوند زناشویی قبول کرد، بخشی از مال خود را به عنوان هدیه و پیشکش، به نام مهریه به زن می دهد. یعنی مرد بخشی از مال خود را به نشانه ابراز علاقه و میزان تمایل او به زندگی زناشویی، با میل و رضای خود، به زن تقدیم می کند و از زن انتظار دارد که همسر و همراه او باشد. اگر ازدواج دائم باشد مرد انتظار دارد که او تا آخر عمر همسر او باشد و اگر ازدواج موقت باشد، انتظار دارد که تا پایان مدت مقرر شده همسر او باشد. پس از طلاق و جدایی مرد تا پایان عده، باید نفقه زن، با دوازده که از آن، نصف مدد از نظر مال داشته دارد. در قرآن که به طلاق با تعابیر همچون: معرفه، احسان، عدم اضرار، تسبیح از خدا امید به آینده، به مدد سفاک شده است که با طلاق زن، با به قصد زندگی هم او با آرامش نه او چه کند با او به شده است. بسندیده تک گنند؛ بعد از جمعیه به همسب نماید به قصد آسیب رساندن به او باشد: «إِطْلَاقُ مَدَّتَا: فَأَمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَى تَسْبِيحُ بِالْحَسَنِ: «لَا تَحَاكُمُوهُنَّ أَنْ تَأْخُذَهُنَّ مِمَّا آتَتْهُنَّ مِنْ شَيْءٍ...» (۴) «امساک به معرفه بدن» معنی است که شهادت در صورت جمعیه به زن بعد از ده طلاق او را به ننگ نگاه داد و به طهر صحیح و بسندیده با او رفتار کند؛ نه آن که منظره اش از جمعیه، ضایع و زدن به زن باشد. «تسبیح به احسان» بعد خدا شد؛ ته او با احسان و ننگه بدن؛ معنی که شهادت در صورت انتخاب حدار، حقیقه زن، با به طهر، کاملاً با دزد، بعد از حدار، ضایع و زنا به او رساند، پشت ساه سخنان نامناسب نگه بد، مدد او به او بدید؛ نسازد و امکان ازدها مجدد او را از او نگیرد. پس همان گونه که نگاهداری زن و آشتی کردن باید با

## References

1. Hatta f,History of The Arabs.Translation .Pavandh. 1287
2. al-Tusi Nasir, al-Din. Ammally, Tradition 2094.
3. exposition moallakat sabba, Today Al-Qais ,Verse32:31 . zohhir abn aby solmma,Verse 30, 113, Abu Aqeel Labid , Verse 81:161
4. Araf:89, Maeda :5, Nisa:25, Noor:32 , N isa :57, Sad:52 ,Baqara :235, Qasas: 27 . Mumenoon:5-7. Noor:58-59. Baqara :187, Baqara :228. Baqara.231, Baqara :228 .Ahzah :35. Nisa:34 Nisa:32. Nisa:128, Baqara :197, Baqara :222 , Baqara :229 Noor:33, Nisa: 15, Ankaboot :29 .
5. Kind statement .Mr. Abdul Hussain , Kindly explain the interpretation of the Quran in formations Islam ,Tehran 1378 ,6:53
6. Victorious Alireza , Mustafa Jamali , Determining the pattern and classification of topics in the country's cultural engineering :85, Fajr Cultural Institute of the province
7. Tabatabi ,1417, 15:103,4:445, 2:244,2:320,16:31,4:334,2:206 ,
8. Sample Interpretation ,19:49, 3:371.
9. Classes of Ibn Sa.d ,1:131.
10. Vocabulary Ragheb :472M , 684.
11. An investion in to the words of the of Quran karim, Mustafa:161, Scientific Books House 14
12. Dr.Davani, a ,The relationship between obedience and bribery and the executive guarantee of disobedience .
13. pourmola .s m ,jalali ,h.Investigating the jurisprudence of corporal punishment of the wife.
14. Interpretation of a detector .1:605 .
15. Net explantion :1, 258.sader , Tehran 1415.